



دانشگاه گوارش و منابع طبیعی

نشریه کارآفرینی در کشاورزی

جلد چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶

<http://jead.gau.ac.ir>

DOI: 10.22069/JEAD.2018.14001.1286

جهت‌دهی توسعه روستایی از طریق راهبرد کارآفرینانه اقتصاد غیرزراعی

* احسان معصومی^۱ و داریوش حیاتی^۲

^۱ دانشجوی دکتری بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز،

^۲ استاد بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۱

چکیده

کارآفرینی یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های توسعه روستایی به شمار می‌رود. توسعه این مفهوم در نواحی روستایی نیازمند یک راهبرد کارآفرینانه است. امروزه، رهیافت‌های توسعه روستایی از تمرکز خود بر توسعه بخش کشاورزی کاسته و توسعه روستایی را از توسعه کشاورزی متمایز کرده‌اند. به دنبال چنین رویکردی، گرایش مشترک رهیافت‌های جدید توسعه روستایی به سوی مفهومی با عنوان اقتصاد غیرزراعی روستایی سوق یافته است. این مفهوم، دارای اهداف و عناصر هم‌راستا با مفهوم کارآفرینی است. از این رو، بررسی کاربرد اقتصاد غیرزراعی به‌عنوان راهبرد کارآفرینانه برای توسعه روستایی، هدف این پژوهش مروری بود. در این راستا، ابتدا مباحث کارآفرینی مورد بررسی قرار گرفت و پس از آن به وسیله این مباحث، به تحلیل مفهوم اقتصاد غیرزراعی روستایی پرداخته شد. در نهایت، مباحث کارآفرینی با ویژگی‌های فعالیت‌های غیرزراعی، مطابقت داده شد. نتایج نشان داد که مفاهیم کارآفرینی و اقتصاد غیرزراعی، دارای ابعاد، عناصر و اهداف مشترکی هستند. بنابراین، نتایج بررسی‌های این مطالعه، ظرفیت کاربرد اقتصاد غیرزراعی روستایی به‌عنوان راهبرد کارآفرینانه را تأیید می‌کند. در پایان، الزامات و چالش‌های کاربرد اقتصاد غیرزراعی روستایی مورد بحث قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد غیرزراعی، توسعه روستایی، راهبرد کارآفرینانه، کارآفرینی روستایی

مقدمه

کارآفرینی عنصری ضروری برای رشد و بهره‌وری مناطق روستایی محسوب می‌شود (Ozgen and Minsky, 2007). علی‌رغم اهمیت این مفهوم، مدت‌هاست که یافتن راهبرد کارآفرینانه^۱ برای سیاست‌های توسعه روستایی به چالشی بزرگ تبدیل

شده است (رضائی و همکاران، ۱۳۹۴؛ احسانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۵). برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به دنبال مسیری هستند که بتوانند به‌واسطه آن، نظریه‌های آرمانی و هنجاری کارآفرینی را در عمل اجرا کنند. یکی از راهکارهای دستیابی به چنین مسیری، مطالعه مباحث و مفاهیم نوین در زمینه توسعه روستایی و کشاورزی است، زیرا مفهوم کارآفرینی خود از مفاهیم نوینی محسوب می‌شود که به دنبال بازنه‌اندیشی‌های

*مسئول مکاتبه: ehsan.masoomi@shirazu.ac.ir

1- Entrepreneurial strategy

(Malekian et al., 2017). از این رو، نقطه مشترک میان این پارادایم‌ها بیانگر یک اصل پذیرفته شده در بین آن‌ها خواهد بود و بررسی این اشتراک می‌تواند به ارائه راهبردهای کاربردی در زمینه توسعه روستایی کمک کند. همان‌گونه که اشاره شد، تأکید پارادایم‌های نوین بر تفکیک مفهومی توسعه کشاورزی و توسعه روستایی است. در همین راستا، فلسفه مشترک آن‌ها برای توجیه تمایز این دو مفهوم، تمرکز بر ابعاد غیرکشاورزی است. یکی از جنبه‌های مهم ابعاد غیرکشاورزی در مباحث نوین توسعه روستایی، مفهوم اقتصاد غیرزراعی روستایی^۵ است که همان نقطه مشترک میان تمام پارادایم‌های توسعه روستایی محسوب می‌گردد.

اقتصاد غیرزراعی روستایی را می‌توان به‌عنوان تمام فعالیت‌های غیرزراعی تعریف کرد که برای خانوارهای روستایی منجر به درآمد می‌شود (Davis, 2003). این تعریف، ماهیت فعالیت‌های غیرزراعی را روشن می‌سازد و آنچه اهمیت دارد، تأثیرگذاری این مفهوم بر درآمد، زندگی و معیشت مردم روستایی و به‌طورکلی توسعه روستایی است. اقتصاد غیرزراعی، بازه گسترده‌ای از فعالیت‌ها را شامل می‌شود که ویژگی‌های منحصر به فردی را دارد. تأکید اقتصاد غیرزراعی روستایی بر ابعاد مختلف، متنوع و جدید زندگی و شغل مردم روستایی و همچنین تنوع گسترده آن، به‌همراه تأکید بر خوداشتغالی و اشتغال‌زایی و بسیاری از مفاهیم مشابه، منجر به ایجاد مفاهیمی هم‌راستا با اهداف کارآفرینی روستایی شده است. هاگبلید و همکاران (Haggblade et al., 2010) معتقدند که بهترین راه مشارکت روستاییان در زنجیره فعالیت‌های غیرزراعی، درگیر شدن آن‌ها به‌عنوان یک کارآفرین است. بنابراین، پژوهش حاضر

عمیق در مباحث توسعه روستایی، روح تازه‌ای یافت و به‌عنوان راهبردی برای تسهیل توسعه روستایی، توجه اندیشمندان این حوزه را به خود جلب کرد. از این رو، در نتیجه‌ی کنکاش مباحث انتقادی در ادبیات توسعه روستایی، واژه کارآفرینی برجسته شد. بنابراین، یافتن راهبرد عملیاتی برای توسعه کارآفرینی روستایی، نیازمند مطالعه مباحث توسعه روستایی است؛ مباحثی که در سال‌های اخیر دچار تحولات عمیق و متعددی شده‌اند (Alsos et al., 2011). پس از بازنگری‌هایی که در ابتدای قرن ۲۱ در مفهوم توسعه روستایی اعمال شد، این اندیشه رو به کمرنگ شدن گذاشت و اعتقاد بر آن شد که توسعه روستایی یک فرآیند پایدار و باثبات از تغییرات اقتصادی، اجتماعی و محیطی محسوب می‌شود که برای پیشرفت و بهبود بهره‌وری بلندمدت کل اجتماع طراحی شده است (Moseley, 2004).

بنابراین، مفهوم توسعه روستایی ابعاد بسیار متنوعی دارد و توسعه کشاورزی تنها یکی از این جنبه‌ها را شامل می‌شود. اندیشه‌های نوینی که به دنبال تفکیک نظری توسعه روستایی و توسعه کشاورزی هستند، ریشه در پارادایم‌های (الگوواره) متنوع توسعه روستایی دارند که می‌توان از بین آن‌ها به پارادایم‌های مناطق کشاورزی صنعتی (روستایی)^۱ (Brunori and Rossi, 2000)، توسعه درون‌زا^۲ (Bassand, 1986)، کشاورزی چندکارکردی^۳ (Casini et al., 2012) و توسعه روستایی یکپارچه^۴ (Nemes, 2005) اشاره کرد. بنابراین، مجموعه نظریه‌ها، رهیافت‌ها، مدل‌ها و همچنین سیاست‌های توسعه روستایی از یک اندیشه وسیع‌تر تحت عنوان پارادایم نشأت می‌گیرد

- 1- Agro-industrial (rural) districts
- 2- Endogenous development
- 3- Multifunctional agriculture
- 4- Integrated rural development

5- Rural Non-Farm Economy (RNFE)

همکاران (Oriarewo et al., 2013) همچنان کارآفرین را اصلی‌ترین مهره در اقتصاد نوین می‌دانند. اما امروزه نقش‌های بسیار متعددی برای کارآفرینی در نظر گرفته شده است که از توسعه صرف اقتصادی فراتر می‌رود. به‌عنوان مثال، هیتون و همکاران (Hayton et al., 2011) دلیل اهمیت کارآفرینی را توسعه اجتماعی کشورها می‌دانند. از این رو، کارآفرینی می‌تواند یکی از عوامل توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشوری محسوب شود (کریمی، ۱۳۹۵). این مسئله فراتر نیز می‌رود تا جایی که برخی مطالعات، یکی از رسالت‌های اصلی کارآفرینی را حفاظت از محیط‌زیست می‌دانند و مفهوم کارآفرینی زیست‌محیطی^۱ را بیان می‌کنند (Hörisch et al., 2011; Lenox and York, 2017). بنابراین، کارآفرینی یکی از عوامل مهمی است که بر توسعه اثر می‌گذارد. این اثرگذاری صرفاً به توسعه در سطوح بالا و کلی محدود نمی‌شود، بلکه به نقل از موریس^۲ به تغییر ساختاری در سطوح پایین‌تر نیز مربوط است و در نهایت توسعه منطقه‌ای را به دنبال دارد (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۹۲). بسیاری از مطالعات نیز، هدف کارآفرینی را اشتغال‌زایی می‌دانند. در این مطالعات، کارآفرینی به‌عنوان مفهومی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که به دنبال ایجاد شغل‌های بیشتری است (Gupta and York, 2008).

برخی از صاحب‌نظران، در تعریف و ارائه مفهوم کارآفرینی تأکید خود را بر عناصر و فرآیند کارآفرینی می‌گذارند. به‌عنوان نمونه، فرصت‌های کارآفرینانه از عناصر مهم در مباحث کارآفرینی هستند و به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه را اولین گام در فرآیند کارآفرینی می‌دانند

به دنبال توصیف مباحث کارآفرینی و تحلیل این مباحث در اقتصاد غیرزراعی روستایی به‌منظور بررسی کاربرد آن به‌عنوان راهبرد کارآفرینانه برای توسعه روستایی است. از این رو، ابتدا مباحث کارآفرینی در ادبیات آن مورد بررسی قرار می‌گیرند و موارد کاربردی آن استخراج می‌شود و پس از آن مباحث شناسایی‌شده، در زمینه اقتصاد غیرزراعی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در نهایت با تطبیق مباحث کارآفرینی و ویژگی‌های اقتصاد غیرزراعی، کارآفرینانه بودن ماهیت فعالیت‌های غیرزراعی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نتایج این پژوهش می‌تواند سهم مهمی در تعیین قابلیت استفاده از مفهوم اقتصاد غیرزراعی به‌عنوان راهبرد کارآفرینانه داشته باشد.

مباحث کارآفرینی: برای بررسی ظرفیت اقتصاد غیرزراعی روستایی به‌عنوان راهبرد کارآفرینانه، ابتدا لازم است تا مباحث مهم و کاربردی در کارآفرینی شناسایی شوند. چنین مباحثی از بطن مفاهیم به‌کاربرده‌شده برای کارآفرینی به‌دست خواهد آمد. کارآفرینی موضوعی میان‌رشته‌ای است که رشته‌های مختلفی همچون اقتصاد، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت و علوم سیاسی در تکامل آن نقش اساسی داشته‌اند (مقیمی، ۱۳۸۳). بنابراین طبیعی است که عناصر و مفاهیم کارآفرینی، تعاریف متعددی از دیدگاه‌های متفاوت داشته باشد (Ardichvili et al., 2003). مدت‌ها بود که کارآفرینی از جنبه اقتصادی اهمیت بسیار زیادی داشت و این واژه صرفاً در ادبیات توسعه اقتصادی مشاهده می‌شد (Karimzadeh et al., 2014). تا جایی که شومپتر کارآفرینی را موتور محرکه توسعه اقتصادی می‌دانست (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۹۲). هنوز هم این جایگاه برای کارآفرینی وجود دارد. اورباریو و

1- Environmental entrepreneurship

2- Morris

که در نهایت منجر به ایده‌ها، محصولات، تولیدات و خدمات جدید خواهد شد (West and Altink, 1996). بازار نیز در مفهوم کارآفرینی اهمیت بسیار زیادی دارد و یکی از ابعاد مهم بحث‌های کارآفرینی را به خود اختصاص می‌دهد. بحث‌های مرتبط با بازار به اندازه‌ای مهم هستند که منجر به نظریه‌های متضادی در زمینه کارآفرینی شده‌اند. به‌عنوان مثال، در نتیجه بحث‌های مرتبط با بازار، دو مکتب متضاد تحت عناوین اتریش و شومپیتر به وجود آمده است که طی آن مکتب اتریش، کارآفرینی را کشف فرصت‌ها در بازار نامتعادل می‌داند و هدف آن را رساندن بازار به وضعیت تعادل معرفی می‌کند. این در حالی است که مکتب شومپیتر، کارآفرینی را فرآیند برهم زدن تعادل بازار می‌داند و هدف آن را به وجود آمدن ترکیبات جدید در راستای توسعه اقتصادی می‌پندارد (Cheah, 1990). به‌هرحال، چیزی که در هر دو این مکاتب مشترک است، گشایش بازار جدید به‌عنوان هدف کارآفرینی است (Bull and Willard, 1993).

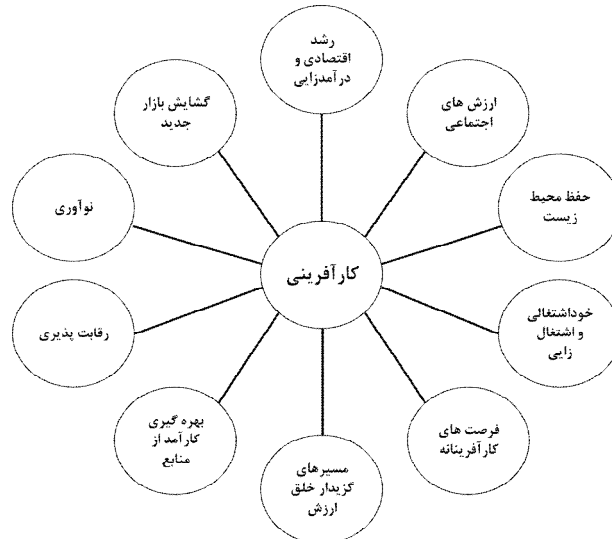
در عملیاتی کردن مفهوم کارآفرینی باید به این نکته توجه داشت که چه ابعاد، شاخص‌ها و عناصری از آن، بیشترین قابلیت اجرا را دارد. همان‌گونه که شومپیتر معتقد است که کارآفرین بودن صرفاً به معنی راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل نیست. وی برای مفهوم کارآفرینی کارکردهایی را معرفی می‌کند که شامل معرفی یک کالای خوب یا کیفیتی جدید از یک کالا؛ معرفی یک روش جدید برای تولید؛ گشایش بازاری جدید؛ به‌دست آوردن منبعی جدید از عرضه مواد اولیه؛ و نوسازی در هر صنعت می‌شوند (Bull and Willard, 1993). شومپیتر معتقد است می‌توان افرادی که دارای حتی یکی از این کارکردها هستند را کارآفرین دانست. دراکر نیز بر این باور است که لزومی ندارد که همه فعالیت‌های کارآفرینانه دارای

(Fatima et al., 2011; Hayton et al., 2011) و با استفاده از این مفهوم به توصیف کارآفرینی پرداخته‌اند. آردیچویلی و همکاران (Ardichvili et al., 2003) کارآفرینی را به‌عنوان روند کشف و توسعه فرصت‌ها برای ایجاد ارزش از طریق نوآوری تعریف می‌کنند. از این‌رو، بسیاری از اندیشمندان، کارآفرینی را فرآیند تشخیص و استفاده از فرصت‌ها می‌دانند. برخی در رابطه با فرآیند کارآفرینی، مسیر تولید را مهم می‌دانند. آنان معتقدند که کارآفرینی فرآیند خلق ارزش است. بنابراین، اگر بتوان فرآیند خلق یک ارزش را به‌گونه‌ای متفاوت طی کرد و به یک نتیجه مفید رسید، مسیر طی شده نیز نوعی خلق ارزش محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال، شیوه تولید متفاوت و یا تهیه اطلاعات متنوع برای فعالیت‌های خدماتی، از فعالیت‌های کارآفرینانه محسوب می‌شوند (Bull and Willard, 1993; Gans et al., 2016).

در برخی مطالعات، برای توصیف مفهوم کارآفرینی از ویژگی‌های متمایزکننده فعالیت‌های کارآفرینانه نسبت به سایر فعالیت‌ها بهره گرفته شده است. به‌عنوان مثال، مطالعات متعددی وجود دارند که رقابت‌پذیری را عنصر اساسی و مهم فعالیت‌های کارآفرینانه می‌دانند (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۹۲؛ Herron and Sapienza, 1992; Sarwoko et al., 2013; Heilbrunn, 2008). تأکید این مطالعات بر آن است که آن دسته از فعالیت‌هایی را می‌توان کارآفرینانه نامید که همواره به دنبال پیشی گرفتن از رقبای خود باشند و عملکرد خود را بالاتر ببرند. دراکر (Drucker, 2014) نوآوری را به‌عنوان کنشی تعریف می‌کند که هدف آن خلق ثروت است و طی آن، با ظرفیت جدیدی از منابع بهره‌گیری می‌شود. بسیاری معتقدند که نوآوری، فرآیند حل مسئله به شیوه‌ای جدید و خلاقانه است

(2014). در همین راستا، بر اساس مطالعات موجود در ادبیات کارآفرینی، می‌توان برخی از مباحث کاربردی آن را استخراج کرد. این مباحث در شکل ۱ قابل مشاهده هستند.

خطر بسیار بالایی باشند. خطرپذیری یکی از ویژگی‌هایی است که برای توصیف مفهوم کارآفرینی به‌کار می‌رود، اما نباید کاربرد فعالیت‌های کارآفرینانه را به چنین ویژگی‌هایی محدود کرد (Drucker,)



شکل ۱- مباحث مرتبط با کارآفرینی.

به‌عنوان مثال، در اوایل دهه ۱۹۹۰، صنعت و کشاورزی هند رشد کافی به‌اندازه فراهم کردن کار برای نیروی کار گسترده خود نداشته‌اند. این در حالی است که اقتصاد غیرزراعی روستایی در این کشور در چند دهه اخیر، به‌سرعت نسبت به سایر بخش‌ها توسعه یافته است. تا جایی که تا اواخر دهه ۲۰۰۰، از هر ده شغل ایجادشده در نواحی روستایی هند، شش عدد غیرزراعی بود. خانوارهای روستایی در هند به‌طور فزاینده‌ای به فعالیت‌های غیرزراعی مشغول شده‌اند، به‌گونه‌ای که بین سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۷ تعداد خانوارهایی که شغل‌های غیرزراعی داشتند دو برابر شد و از ۱۰ به ۲۰ درصد رسید و در نتیجه آن، درآمدهای روستایی بین سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۷، با یک نرخ میانگین سالانه ۵/۷ درصد به‌صورت ثابت افزایش یافت؛ نرخ‌هایی که مشابه نرخ رشد در نواحی شهری است (Binswanger-Mkhize, 2012). بنا به گزارش دو (Du, 1990)، متوسط درآمد سرانه

تحلیل مباحث کارآفرینی در مفهوم اقتصاد غیرزراعی روستایی: اقتصاد غیرزراعی روستایی در صورتی می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد کارآفرینانه به‌کاربرده شود که از ویژگی‌ها و عناصر کارآفرینانه برخوردار باشد. از این‌رو، قبل از هر چیز باید به بررسی مباحث کارآفرینی در مفهوم اقتصاد غیرزراعی روستایی پرداخت. اگر کاربردی و عملیاتی بودن مفهوم اقتصاد غیرزراعی به‌عنوان یک راهبرد کارآفرینانه مطرح باشد، لازم است که این مفهوم از جنبه‌های کاربردی مباحث کارآفرینی مورد تحلیل قرار گیرد. بر همین اساس، می‌توان مباحث کارآفرینی مطرح‌شده در شکل ۱ را در اقتصاد غیرزراعی روستایی مورد بررسی قرار داد.

رشد اقتصادی و درآمدزایی: به اعتقاد هاگبلید و همکاران (Haggblade et al., 2010) اقتصاد غیرزراعی تأثیر چشمگیری بر رشد اقتصادی دارد.

آفریقا حدود ۳۴ درصد، آسیا، ۵۱ درصد و آمریکای لاتین، ۴۷ درصد از درآمد روستایی خود را مدیون فعالیت‌های غیرزراعی هستند (Hazell and Rahman, 2014).

خانوارهای روستایی در چین، ۷۲۶ یوان در بخش غیرزراعی نسبت به ۳۵۱ یوان در بخش کشاورزی بوده است. سهم اقتصاد غیرزراعی در درآمدهای روستایی مناطق مختلف جهان، میزان قابل توجهی است. همان‌گونه که در جدول ۱ قابل مشاهده است،

جدول ۱- سهم اقتصاد غیرزراعی در درآمدهای روستایی مناطق مختلف جهان (Hazell and Rahman, 2014).

سهم اقتصاد غیرزراعی در درآمد روستایی			منطقه	
کل درآمد غیرزراعی (درصد)	اشتغال و کسب‌وکار غیرزراعی محلی (درصد)	جابه‌جایی‌ها و وجوه ارسالی (درصد)		
۳۴	۲۸	۶	خارج از نامیبیا	
۷۵	۲۶	۴۸	آفریقا نامیبیا	
۵۱	۴۰	۱۱	آسیا	
۴۷	۴۱	۶	آمریکای لاتین	

کارکردهای بازاری دارای کارکردهای غیربازاری نیز هستند. مطالعات زیادی بر تأثیر این فعالیت‌ها بر کاهش فقر تأکید کرده‌اند (Barrett et al., 2001; Haggblade et al., 2010; Binswanger-Mkhize et al., 2016). فعالیت‌های غیرزراعی بر کیفیت زندگی نیز اثرگذارند (Hussein and Nelson, 2016). مطالعه غفاری و همکاران (۱۳۹۰) و همچنین سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که این فعالیت‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری بر بهبود کیفیت زندگی روستاییان دارد.

حفظ محیط‌زیست: توجه به حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان یکی از مسائل جدید در مباحث کارآفرینی، مفهومی تحت عنوان کارآفرینی زیست‌محیطی را پدید آورده است (Hörisch et al., 2017). با توجه به حصول آهسته نتایج برنامه‌های حفاظت از محیط‌زیست و مشترک بودن منافع آن‌ها، پیاده‌سازی چنین فعالیت‌هایی بسیار دشوار است (Bhandari, 2009). فعالیت‌های حفاظت از محیط‌زیست، جزء کارکردهای مرتبط با بازار نیستند و اهداف اقتصادی ندارند (Casini et al., 2012) و از آن‌طرف، نیز

ارزش‌های اجتماعی: اهمیت توسعه اجتماعی در کارآفرینی منجر به ظهور مفهومی تحت عنوان کارآفرینی اجتماعی^۱ شده است که طی آن هدف کارآفرین به خلق هر نوع ارزشی محدود نمی‌شود و به دنبال خلق ارزش اجتماعی است (Mair and Marti, 2006). از آن‌سو، فعالیت‌های غیرزراعی روستایی ظرفیت بالایی برای خلق ارزش‌های اجتماعی دارند. دیویس (Davis, 2003) معتقد است تنها دلیل ضرورت پرداختن سیاست‌گذاران به اقتصاد غیرزراعی این است که مردم روستایی به همان اندازه که نیازمند توسعه اقتصادی هستند، به رفاه اجتماعی نیز احتیاج دارند. لانجو و لانجو (Lanjou and Lanjou, 2001) معتقدند که اقتصاد غیرزراعی روستایی علاوه بر رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی، در عواملی مثل کاهش فقر و حتی به تعادل رسیدن توزیع جمعیت مؤثرند. آن‌ها بر این باورند که ارزش اجتماعی فعالیت‌های غیرزراعی به‌این دلیل است که تنها چنین فعالیت‌هایی در محیط روستایی، علاوه بر

(Barrett et al., 2001). همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، حدود ۴۰ درصد از اشتغال روستایی تمام‌وقت در آفریقای جنوبی، ۳۰ درصد آسیا و آمریکای لاتین، ۲۰ درصد در آسیای غربی و ۱۰ درصد در آفریقا به فعالیت‌های غیرزراعی اختصاص دارد (Haggblade et al., 2010). رشد اشتغال‌زایی در گرو افزایش تنوع درآمدها است. بررسی دیویس و همکاران (Davis et al., 2010) نشان داد که بیشترین تنوع درآمدهای روستایی مربوط به فعالیت‌های غیرزراعی است و برای بهبود وضعیت اشتغال، سرمایه‌گذاری در این بخش بهترین راه است. حدود ۲۵ درصد از فعالیت‌های غیرزراعی روستایی ماهیت خوداشتغالی دارند و این میزان، ظرفیت بسیار بالای این نوع فعالیت‌ها را به‌عنوان فعالیت‌های کارآفرینانه نشان می‌دهد (Liedholm, 2007).

فعالیت‌های غیرزراعی تنها فعالیت‌هایی هستند که در محیط‌های روستایی دارای کارکردهای غیربازاری هم می‌باشند (Lanjouw and Lanjouw, 2001). ماهیت فعالیت‌های غیرزراعی به‌گونه‌ای است که رشد و توسعه آن محدودیت دارد و نمی‌توان آن را بیش‌ازحد گسترش داد. همچنین، لازمه چنین فعالیت‌هایی استفاده از نیروی کار برای اشتغال‌زایی بیشتر است و از این حیث، استفاده از ماشین محدود می‌شود. بنابراین، چنین سازوکاری هم‌راستا با حفظ محیط‌زیست خواهد بود. از طرف دیگر، محیط‌های روستایی خود دارای ارزش‌های اکولوژیک هستند که محیط‌زیست پاکیزه، تنوع زیستی، امکان تولید غذای سالم و پاک، محصولات کشاورزی ویژه، فضای باز، چشم‌اندازهای طبیعی و فرهنگی جزء آن هستند (Nemes, 2005).

خوداشتغالی و اشتغال‌زایی: سهم اقتصاد غیرزراعی در فعالیت‌های روستایی، هر روز بیشتر می‌شود

جدول ۲- سهم اشتغال غیرزراعی در اشتغال روستایی مناطق مختلف جهان (Haggblade et al., 2010).

منطقه	سهم اقتصاد غیرزراعی در اشتغال روستایی	تولید ^۱	سهم بخش‌های مختلف غیرزراعی در اشتغال روستایی		
			تجارت و حمل‌ونقل ^{۲*}	خدمات فردی و مالی ^{۳**}	ساخت‌وساز، خدمات رفاهی، معدن و سایر ^{۴***}
آفریقا	۹	۱۹	۳۱	۳۵	۱۰۰
آسیا	۲۴	۲۷	۲۹	۳۱	۱۰۰
آمریکای لاتین	۳۱	۲۲	۲۳	۳۴	۱۰۰
آسیای غربی و آفریقای جنوبی	۲۱	۲۳	۲۲	۳۶	۱۰۰

* تجارت و حمل‌ونقل مانند عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، حمل‌ونقل و انبارداری

** سایر خدمات مانند خدمات مالی، زیرساخت و خدمات اجتماعی

*** سایر مانند معدن سنگ و سایر خدمات طبقه‌بندی نشده

- 1- Manufacturing
- 2- Trade and transport
- 3- Financial and personal services
- 4- Construction, utilities, mining, and other

فعالیت خود را به فضاهاى روستایى انتقال دهند. انجام بخشى از فعالیت‌ها در یک محیط متفاوت می‌تواند به کاهش هزینه‌ها، اشتغال‌زایی، افزایش کیفیت و سایر مواردی کمک کند که هر کدام به‌نوعی خلق ارزش محسوب شده و کارآفرینانه بودن آن فعالیت را تضمین می‌کنند. چنین سازوکاری را می‌توان در چین مشاهده کرد. جایی که تولیدکنندگان، بخشى از تولید خود را به روستاها می‌برند. مواردی وجود دارد که تولیدکنندگان نه‌تنها به مناطق روستایى در چین، بلکه به خارج از کشور جابه‌جا می‌شوند. کشورهای همسایه در آسیا با دستمزد کم مثل بنگلادش، میانمار، گامبودیا و ویتنام می‌توانند اولین کشورهایی باشند که از چنین سازوکاری منفعت خواهند برد. برخی از کارخانه‌های آسیایی حتی به مناطقی دورتر مثل آفریقا نیز جابه‌جا می‌شوند. اولین موج پیشگام جابه‌جایی کارخانه‌های چینی می‌تواند در حومه آدیس‌آبابا مشاهده شود. یک تحلیل تجربی نشان داده است که به‌اندازه ۸۵ میلیون شغل کارخانه‌ای می‌تواند چین را در سال‌های پیش رو ترک کند (Wall Street Journal, 2014). اگر تنها نیمی از آن شغل‌ها به آفریقا رفته باشد، آفریقا می‌تواند تبدیل به قاره‌ای شود که در آن موجی از جوانان در حال ورود به بازار کار هستند (Wiggins, 2016).

بهره‌گیری کارآمد از منابع: تقسیم‌بندی نمز (Nemes, 2005) از ارزش‌های روستایی، به‌خوبی بیانگر قابلیت بهره‌گیری کارآمد اقتصاد غیرزراعی از این منابع است. وی این ارزش‌ها را در سه دسته قرار می‌دهد که عبارتند از: ۱) ارزش‌های اکولوژیکی^۲ (محیط‌زیست پاکیزه، تنوع زیستی، امکان تولید غذای سالم و پاک، محصولات کشاورزی ویژه، فضای باز، چشم‌اندازهای طبیعی و فرهنگی)؛ ۲) ارزش‌های

فرصت‌های کارآفرینانه: تمرکز بر فعالیت‌های غیرزراعی به‌طور معناداری منجر به ایجاد فرصت‌های کسب‌وکار می‌شود (Haggblade et al., 2010). دیویس (Davis, 2003) معتقد است که بسیاری از فعالین در بخش کشاورزی، از این بخش خارج می‌شوند تا بتوانند از فرصت‌های معیشتی پایدار در بخش غیرزراعی بهره‌مند شوند. تا جایی که می‌توان گفت آنچه که زمینه توسعه اقتصاد غیرزراعی را فراهم کرده است، پدید آمدن فرصت‌های بسیار متنوع در زمینه‌های مختلف معیشت روستایی است (Wiggins, 2016). مطالعه فرانسیس و هودینوت (Francis and Hoddinott, 1993) در کنیا نشان می‌دهد که در طول چند دهه، مردم روستایی به دلیل وجود فرصت‌های جذاب در بخش غیرزراعی، سرمایه و نیروی کار خود را به‌سوی این بخش سوق داده‌اند. می‌توان گفت که ماهیت فعالیت‌های غیرزراعی روستایی از جنس فعالیت‌های کارآفرینانه می‌باشند. ویژگی‌های چنین فعالیت‌هایی، به‌خوبی این ماهیت را نشان می‌دهند. به این صورت که غالب فعالیت‌های غیرزراعی نیاز به سرمایه بالا ندارند؛ بسیاری از آنها برآمده از ایده‌های مردم روستایی هستند؛ برای توسعه آنها از منابع دست‌نخورده بهره گرفته می‌شود؛ و همچنین محصول یا خدمت حاصل از آنها بر اساس نیاز بازار و مشتری خواهد بود.

مسیرهای گزیدار خلق ارزش: فضای روستایی به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود می‌تواند بستری مناسب برای ایجاد یک گزیدار^۱ در فرآیند فعالیت‌های غیرزراعی باشد. این ویژگی‌ها عبارتند از نیروی کار ارزان، تخفیف‌های مالیاتی، مهارت و تخصص‌های ویژه، ظرافت فعالیت‌های دستی و سایر مزیت‌هایی که صنایع شهری را ترغیب می‌کنند که بخشی از فرآیند

فرهنگی^۱ (فرهنگ روستایی، فولکلور و بناهای معماری، غذای محلی، هنرها و صنایع دستی، روش‌های تولید و محصولات ویژه محلی، زبان اقلیت، شیوه‌های سنتی زندگی)؛ (۳) ارزش‌های اجتماع^۲ (شبکه‌های اجتماعی، روابط خویشاوندی، درک و اعتماد متقابل، شیوه‌های ویژه ارتباطات). استفاده کارآمد از این منابع، در قالب فعالیت‌های زراعی و کشاورزی امکان‌پذیر نیست و نیازمند فعالیت‌هایی است که ظرفیت ویژه برای بهره‌گیری از انواع منابع روستایی را داشته باشد (اکبریان رونیزی و شیخ بیگلو، ۱۳۹۵). این فعالیت‌ها در مفهوم اقتصاد غیرزراعی روستایی قابل اجرا می‌باشند. بنابراین، فضای روستایی سرشار از منابع دست‌نخورده‌ای است که می‌توان با توسعه فعالیت‌های غیرزراعی، آن‌ها را به نحوی کارآمد مورد استفاده قرار داد.

رقابت‌پذیری: اقتصاد غیرزراعی روستایی دارای مزایایی است که به این‌گونه فعالیت‌ها قدرت رقابت می‌دهد. این مزایا از بطن محیط‌های روستایی برمی‌خیزند. زیرا مناطق روستایی دارای ظرفیت‌های بسیار گسترده‌ای هستند که فرصت ایجاد کسب‌وکارهای متنوع و در نتیجه رقابت‌پذیر را فراهم می‌آورند (Davis, 2003). یکی از این مزایای رقابتی، به منابع موردنیاز برای فعالیت‌ها مربوط می‌شود. به‌عنوان مثال، صنایع و کارخانه‌ها در شهرها برای تولید نیازمند یک سری منابع می‌باشند و فعالیت‌های غیرزراعی نیز به منابع احتیاج دارند. در چنین حالتی، اگر ماهیت منابع موردنیاز برای فعالیت‌ها، منابع طبیعی (مثل گیاهان دارویی یا چوب) باشد، در این صورت روستاها نسبت به شهرها از مزیت دسترسی به این‌گونه منابع برخوردارند و این مسئله به آن‌ها قدرت

رقابت می‌دهد. بسیاری از فعالیت‌ها نیازمند نوعی مهارت ویژه می‌باشند. روستاییان از مهارت‌هایی برخوردارند که خاص خودشان است (مثل قالببافی یا صنایع دستی) و از این حیث می‌توانند با شهرنشینان رقابت کنند. از طرف دیگر، فعالیت‌هایی که در روستاها انجام می‌شود از مزیت رقابتی نیروی کار ارزان روستایی نیز برخوردارند. محیط روستا می‌تواند یک عامل رقابتی بسیار مهم در فعالیت‌های غیرزراعی باشد. به‌عنوان مثال، گردشگری روستایی از مزایایی مثل چشم‌اندازهای طبیعی، فرهنگ غنی روستایی، بافت سنتی روستا و ارزش‌های روستایی برخوردار است که جامعه شهری از آن محروم می‌باشد (Davis et al., 2010). به‌طورکلی، در هر نوع فعالیتی که نیازمند فضای روستایی باشد، قدرت رقابت روستاییان بالاتر خواهد بود. بنابراین، فعالیت‌های غیرزراعی روستایی ظرفیت رقابتی بسیار بالایی در رویارویی با فعالیت‌های مشابه شهری دارند.

نوآوری: نوآوری به‌عنوان یک مفهوم مشترک در مباحث مرتبط با کارآفرینی شناخته شده است (فاضل‌بیگی و یآوری، ۱۳۸۸) در تعاریف متعددی که از نوآوری وجود دارد، ویژگی‌هایی نهفته است که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان شاخص‌هایی برای سنجش نوآورانه بودن فعالیت‌های غیرزراعی بهره گرفت. این ویژگی‌ها عبارتند از: (۱) خلاقیت در ارائه محصول یا خدمت جدید (Drucker, 2014)؛ (۲) بهره‌گیری از منابع به شیوه‌ای جدید (Dutz, 2007)؛ (۳) حل مسئله به شیوه خلاقانه (West and Altink, 1996).

با توجه به شرایط ویژه فضای روستایی و مهارت‌های خاص مردم آن، این قابلیت در فعالیت‌های غیرزراعی وجود دارد که طی آن محصولات یا خدماتی ارائه شود که در مناطق شهری یا سایر مناطق روستایی مشابهی نداشته باشد (مورد

1- Cultural values
2- Community values

2006). مطالعات نشان می‌دهد که در برخی کشورها مثل هند و چین حدود ۴۰ درصد از ارزش کالا، بعد از خارج شدن محصول از روستا به آن اضافه می‌شود. در عمل، بخش عمده‌ای از تغییرات در یک موقعیت پویاتر و تجاری‌تر از اقتصاد روستا رخ می‌دهد (Wiggins, 2016). این محرومیت به دلیل عدم وجود یک بازار مناسب روستایی به وجود می‌آید. این در حالی است که رونق فعالیت‌های غیرزراعی باعث ایجاد بازارهای داخلی، رونق بازارهای خارجی و پیوند بین آن‌ها خواهد شد و با تکیه بر آن، روستاییان می‌توانند بر شکست بازار غلبه کنند (Davis et al., 2010). بنابراین، فعالیت‌های غیرزراعی منجر به گشایش بازارهای جدید در محیط روستایی و همچنین خارج از آن‌ها می‌شوند.

در نهایت، خلاصه نتیجه تحلیل مباحث کارآفرینی در زمینه اقتصاد غیرزراعی روستایی در جدول ۳ قابل مشاهده است.

۱). منابع متنوعی در فضای روستایی وجود دارد که مدت‌هاست دست‌نخورده باقی مانده‌اند. فعالیت‌های غیرزراعی روستایی، امکان بهره‌گیری با شیوه‌ای جدید از این منابع را فراهم می‌آورد. به‌عنوان مثال، استفاده از محیط روستایی، منظره‌های بکر و چشم‌اندازهای طبیعی برای فعالیت‌های گردشگری، استفاده از منابع روستایی به شیوه‌ای جدید محسوب می‌گردد (مورد ۲). کاربرد حل مسئله به شیوه‌های جدید در فعالیت‌های غیرزراعی منجر به ایجاد مفهومی تحت عنوان نوآوری محلی^۱ شده است (Adiyia et al., 2017). به این صورت که مردم روستایی با استفاده از راهکارهای خلاقانه، نیازهای خود و مشتری را در قالب فعالیت‌های غیرزراعی مرتفع می‌کنند (مورد ۳). اشاره به این نکته ضروری است که همه فعالیت‌های غیرزراعی لزوماً نوآورانه نیستند، همان‌گونه که تمام فعالیت‌های کارآفرینانه نیز نوآورانه محسوب نمی‌شوند. اما بررسی شاخص‌های نوآورانه بودن یک فعالیت نشان می‌دهد که ظرفیت بسیار بالایی برای نوآوری در فعالیت‌های غیرزراعی وجود دارد.

گشایش بازار جدید: فعالیت‌های غیرزراعی پاسخ بسیار مناسبی به یکی از بحران‌های موجود در روستا تحت عنوان شکست بازار^۲ است. شکست بازار به این معنی است که منفعت بخش اعظمی از ارزش خلق شده به‌وسیله فعالیت‌های روستاییان (عمدتاً در بخش کشاورزی) به افراد خارج از روستا می‌رسد. به‌عبارت‌دیگر، ارزش افزوده تولیدات روستاییان، به‌واسطه فرآیندهایی مثل فرآوری، بسته‌بندی، انبارداری و سایر فعالیت‌هایی ایجاد می‌شود که سایر اعضای حاضر در زنجیره تولید از آن بهره می‌برند و منفعتی برای خود روستاییان ندارد (Poulton et al.,

1- Local innovation

2- Market failure

جدول ۳- خلاصه تحلیل مباحث کارآفرینی در اقتصاد غیرزراعی روستایی.

مباحث کارآفرینی	مطالعات	ویژگی برجسته اقتصاد غیرزراعی مرتبط با کارآفرینی	مطالعات	مباحث کارآفرینی
رشد اقتصادی و درآمدزایی	(احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۹۲)؛ (کریمی، ۱۳۹۵)؛ Ozgen and Minsky, (Karimzadeh et al.,) (2007, 2014)	- جذابیت به دلیل اثرگذاری بر رشد اقتصادی و درآمدزایی؛ - دارا بودن سهم قابل توجه در درآمدهای روستایی نقاط مختلف جهان - افزایش نرخ میانگین درآمد سالانه خانوارهای روستایی؛ - اثرگذاری در تحول اقتصاد منطقه‌ای	(Du, 1990)؛ (Davis, 2003) (Hagglade et al., 2010)؛ (Binswanger-Mkhize, 2012)؛ (Hazell and Rahman, 2014) (Wiggins, 2016)	
ارزش‌های اجتماعی	(کریمی، ۱۳۹۵)؛ (Hayton et al., 2011)؛ (Karimzadeh et al., 2014)	- بهبود مشارکت به‌ویژه برای زنان؛ - اثرگذاری بر رفاه اجتماعی؛ - عامل توزیع متعادل جمعیت؛ - تأثیرگذاری بر کاهش فقر؛ - دارا بودن کارکردهای غیربازاری؛ - اثر معنی‌دار بر بهبود کیفیت زندگی؛ - اثر معنی‌دار بر ماندگاری در روستا و جلوگیری از مهاجرت.	(غفاری و همکاران، ۱۳۹۰)؛ (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۳)؛ (Barrett et al., 2001)؛ (Davis, 2003)؛ (Lanjouw and)؛ (Davis, 2003)؛ (Hagglade)؛ (Lanjouw, 2001 Binswanger-)؛ (et al., 2010 (Mkhize et al., 2016	
حفظ محیط‌زیست	(Lenox and York, 2011)؛ (Hörisch et al., 2017)	- دارای ظرفیت برای کارکردهای غیربازاری و غیرکالایی؛ - تأکید بر اشتغال نیروی انسانی و اعمال محدودیت در استفاده از ماشین؛ - قابلیت استفاده از ارزش‌های اکولوژیک	Lanjouw)؛ (Nemes, 2005) (and Lanjouw, 2001	
خوداشتغالی و اشتغال‌زایی	(Gupta and York, 2008)	- ماهیت خوداشتغالی در ۲۵ درصد از فعالیت‌های غیرزراعی؛ - ظرفیت کافی برای جذب نیروی کار؛ - بهبود اشتغال در سال‌های سخت مثل خشکسالی؛ - ایجاد ضریب اطمینان در دنیای در حال تحول و گذار؛ - زمینه مناسب برای اشتغال در فصل‌های غیرزراعی؛ - ارتقای مهارت‌های کارآفرینانه در نیروی کار روستایی	(Liedholm, 2007)؛ (Hagglade et al., 2010)؛ (Hussein)؛ (Davis et al., 2010) (and Nelson, 2016	
فرصت‌های کارآفرینانه	(Ardichvili et al., 2003)؛ (Fatima et al., 2011)؛ (Hayton et al., 2011)	- وجود فرصت‌های متنوع در زمینه‌های مختلف معیشت‌های روستایی؛ - زمینه برای توسعه یک فرصت موجود بر حسب نیاز بازار؛ - زمینه برای تبدیل منابع دست‌نخورده به ارزش‌های موردنیاز بازار؛ - زمینه برای ترکیب ایده‌های مختلف و خلق فرصت‌های جدید	Francis and Hodinott,) (Wiggins, 2016)؛ (1993	
مسیرهای گزیننده خلق ارزش	(Bull and Willard, 1993)؛ (Gans et al., 2016)	- استفاده از فضای روستایی به‌عنوان بستر فعالیت‌های غیرزراعی؛ - زمینه برای اجرای بخشی از فرآیند فعالیت‌های شهری در محیط روستایی	(Wall Street Journal, 2014)؛ (Wiggins, 2016)	
بهره‌گیری کارآمد از منابع	(احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۹۲)؛ (Ardichvili et al.,) (2003	- مدنظر قرار گرفتن ارزش‌های متنوع اکولوژیکی، فرهنگی و اجتماع؛ - ظرفیت بالا برای بهره‌گیری از ارزش‌های متنوع روستایی؛ - وجود ظرفیت برای به‌کارگیری منابع دست‌نخورده روستایی	(Nemes, 2005)	
رقابت‌پذیری	(احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۹۲)؛ (Herron and)؛ (Sapienza, 1992)؛ (Heilbrunn, 2008)؛ (Sarwoko et al., 2013)	- قدرت رقابت در فعالیت‌هایی که منبع اصلی آن‌ها منابع طبیعی است؛ - قدرت رقابت در فعالیت‌هایی که نیاز به مهارت‌های خاص دارد؛ - قدرت رقابت در فعالیت‌هایی که نیاز به نیروی کار ارزان دارند؛ - قدرت رقابت در فعالیت‌هایی که نیازمند فضای روستایی می‌باشند	Davis et al.,)؛ (Davis, 2003)؛ (Hagglade et al.,) (2010 (2010	
نوآوری	(West and Altink, 1996)؛ (Drucker, 2014)	- ظرفیت بالا برای تولید محصولات جدیدی که در بازار موجود نیست؛ - امکان بهره‌گیری از منابع دست‌نخورده روستا به شیوه‌های جدید؛ - کاربرد حل مسئله به شیوه‌های جدید در قالب نوآوری محلی	(Adiyia et al., 2017)	
گشایش بازار جدید	(Bull and Willard, 1993)	- تأثیرگذاری در به وجود آمدن بازارهای محلی؛ - عامل رونق بازارهای خارجی؛ - عامل پیوند بین بازارهای داخلی و خارجی؛ - مؤثر در غلبه بر شکست بازار روستایی	Davis et al.,)؛ (Davis, 2003)؛ (Hagglade et al.,) (2010 (Lanjouw and)؛ (2010 (Lanjouw, 2001	

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی‌های مطالعه حاضر نشان داد که مباحث کارآفرینی در مفهوم اقتصاد غیرزراعی روستایی نهفته است و این مفهوم می‌تواند به‌عنوان راهبرد کارآفرینانه، تسهیل‌گر عملیاتی برای اهداف کارآفرینانه باشد. از این‌رو، دولت می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی از مفاهیم اقتصاد غیرزراعی برای پیشبرد اهداف کارآفرینی روستایی بهره‌گیرد. اما باید در نظر داشت که بهره‌گیری از مفهوم اقتصاد غیرزراعی روستایی نیز با چالش‌هایی مواجه است. در بهره‌گیری از مفاهیم اقتصاد غیرزراعی به‌عنوان فعالیت‌های کارآفرینانه، لازم است به این نکته توجه شود که این‌گونه فعالیت‌ها آرمانی نیستند. شواهد بسیار زیادی از توفیق اقتصاد غیرزراعی در نقاط مختلف روستایی سراسر جهان وجود دارد، اما نمی‌توان آن را به‌عنوان حلال تمام مشکلات دانست. این نوع نگاه، همان نگاه هنجاری است که به کارآفرینی می‌شود و این مفهوم را در حد فرضیه‌ها و نظریه‌ها نگه می‌دارد. از طرف دیگر، باید در نظر داشت که کاربرد فعالیت‌های غیرزراعی همواره سودمند نیست و ممکن است معایبی را به‌همراه داشته باشد. در بسیاری از اوقات، ماهیت این فعالیت‌ها منجر به ایجاد یک حالت استعماری می‌شود و افرادی که به‌طور مستقیم در چنین فعالیت‌هایی دخالت دارند (مانند زنان و کودکان)، از سود آن بهره‌مند نشوند. چنین فعالیت‌هایی ممکن است باعث ایجاد نابرابری گردند، زیرا سود حاصل از آن‌ها به‌طور یکسان توزیع نمی‌شود. بررسی‌های ریردون (Reardon, 1997) نشان می‌دهد که رشد اقتصاد غیرزراعی در برخی مناطق روستایی منجر به افزایش شکاف بین فقرا و ثروتمندان شده است. معیشت‌های غیرزراعی در بسیاری موارد، ناامن هستند و مواردی مثل بیمه برای آن‌ها وجود ندارد. ماهیت فعالیت‌های غیرزراعی

دارای پراکندگی است؛ به‌گونه‌ای که در بیشتر اوقات، فرصت تشکیل تعاونی و ایجاد صدای مشترک در این فعالیت‌ها وجود ندارد.

رشد فعالیت‌های غیرزراعی نیز با محدودیت مواجه است و نباید آن را بدون حدود مرز توسعه داد. برای گسترش فعالیت‌های غیرزراعی باید به یک حد مشخص توجه داشت. بسیاری از افراد فقیر مایل نیستند که یک سرمایه‌دار کوچک شوند، زیرا اهل خطر نیستند و به وضعیت خود راضی هستند. بنابراین ضرورتی برای رشد بیشتر آن‌ها وجود ندارد. بسیاری از فعالین در عرصه‌های غیرزراعی ممکن است که از زنان و کودکان به‌عنوان نیروی کار استفاده کنند. بنابراین، توسعه و رشد چنین فعالیت‌هایی می‌تواند منجر به فشار کار بر روی زنان و استثمار آن‌ها و همچنین جلوگیری از تحصیل کودکان گردد. آنچه که این موارد را به چالشی بزرگ‌تر تبدیل می‌کند آن است که پایش چنین مسائلی دشوار است. بنابراین، در هنگام برنامه‌ریزی برای چنین فعالیت‌هایی این چالش‌ها مورد توجه قرار گیرند.

مبحث مهم دیگر، سیاست و برنامه‌ریزی برای اقتصاد غیرزراعی روستایی است. متنوع بودن فعالیت‌های غیرزراعی باعث می‌شود که اثرات متفاوتی به دنبال اجرای آن‌ها پدید آید. این بدان معنی است که نمی‌توان فرمول ساده‌ای را در برنامه‌ریزی برای اقتصاد غیرزراعی در نظر گرفت و آن را در همه شرایط و برای تمام فعالیت‌ها اجرا کرد. مناطق مختلف روستایی با توجه به این که در چه مرحله‌ای از توسعه قرار دارند، نیازمند برنامه‌ریزی و سیاست‌های متفاوتی در زمینه رشد فعالیت‌های غیرزراعی خواهند بود. همچنین، رشد چنین فعالیت‌هایی ممکن است منفعت فقرا را به دنبال

نداشته باشد. بنابراین، باید تعادلی بین میزان رشد و میزان حمایت از فقرا در نظر گرفته شود.

یکی از لازمه‌های توسعه اقتصاد غیرزراعی، جذب بخش خصوصی در مناطق روستایی است. اما حضور این بخش با چالش‌هایی روبه‌روست. تجربه‌های دو دهه گذشته نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در مناطق روستایی، چندان جالب توجه نبوده است و این بخش در بیشتر موارد فقط در مناطقی حضور یافته است که دارای سود آنی و منافع کوتاه‌مدت بوده‌اند. بنابراین، ترغیب این بخش کار راحتی نیست و دولت باید برای این مهم به فکر راهبردهای عملیاتی باشد. شاید بتوان در این زمینه، بخشودگی مالیاتی و یا حتی ارائه یارانه مستقیم را پیشنهاد کرد. از طرف دیگر، فعالیت‌هایی که بخش خصوصی انجام می‌دهد ممکن است به گونه‌ای باشد که به نیروی کار زیادی احتیاج نداشته باشد و ماشین‌ها کار تولید را انجام دهند. این در حالی است که چنین شیوه تولیدی در اقتصاد غیرزراعی روستایی جایی ندارد، زیرا اشتغال نیروی کار روستایی از اصول اساسی چنین فعالیت‌هایی است. ضمن اینکه باید اطمینان حاصل شود که سلامت، امنیت شغلی و حقوق افرادی که به‌عنوان کارگر فعالیت می‌کنند رعایت می‌شود. درعین حال، چنین سازوکاری نباید به قدری شدت یابد که بخش خصوصی را متوقف سازد، زیرا در چنین شرایطی بخش خصوصی ترجیح می‌دهد که نیروی کار نداشته باشد و از ماشین استفاده کند و یا اینکه مسیر و فرآیند خود را به‌طور کامل تغییر داده و در نهایت از منطقه خارج شود. در تمام

این مسائل، دولت مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. به‌طورکلی، نقش دولت در گسترش اقتصاد غیرزراعی بسیار مهم است، زیرا توجه دولت به اقتصاد غیرزراعی روستایی، به‌طور چشمگیری به بهبود ابعاد مختلف زندگی مردم روستایی کمک خواهد کرد (Haggblade et al., 2010).

دولت باید از لحاظ سیاسی برای خود این سؤال را مطرح کند که از سرمایه‌گذاری در روستا و اقتصاد غیرزراعی چه هدفی دارد؟ آیا واقعا دولت به دنبال کاهش نابرابری بین روستا و شهر است؟ آیا مترصد جلوگیری از جریان مهاجرت است؟ آیا در پی پاسخگویی به صدای سیاسی است؟ اگر دولت با توسعه اقتصاد غیرزراعی به دنبال خاموش کردن هرگونه صدای سیاسی است، انجام چنین فعالیت‌هایی ضرورتی ندارد، زیرا مخاطب چنین فعالیت‌هایی گروهی هستند که هیچ‌گونه صدای سیاسی ندارند. دولت باید برای توسعه اقتصاد غیرزراعی روستایی به‌عنوان یک راهبرد کارآفرینانه، چارچوب مدیریتی مناسبی را طراحی کند و طی آن، اختیاراتی را به لحاظ حرفه‌ای، فنی، مالی و مدیریتی به دولت محلی و سطوح پایین‌تر بدهد. دولت محلی نیز موظف است که برای توسعه فعالیت‌های غیرزراعی به دنبال گرفتن امتیازات یادشده باشد. در نهایت، بررسی حاضر به لحاظ تئوریک، بیانگر ظرفیت اقتصاد غیرزراعی روستایی به‌عنوان راهبرد کارآفرینانه در زمینه توسعه روستایی بود، اما چگونگی طراحی این راهبرد و تبیین اصول و مبانی آن از مباحثی است که می‌تواند در مطالعات آینده مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

۱. احسانی‌فر، ت.، رستمی، ف.، نادری، ن.، رضایی، ب. ۱۳۹۵. موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی. ۳(۲): ۱۵-۱.

۲. احمدپور داریانی، م.، مقیمی، س.م. ۱۳۹۲. مبانی کارآفرینی. انتشارات نگاه دانش، تهران.
۳. اکبریان رونیزی، س.، شیخ بیگلو، ر. ۱۳۹۵. ظرفیت تحمل توسعه گردشگری روستایی و تدوین برنامه راهبردی روستای قلات (شهرستان شیراز). فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، ۳(۴): ۴۹۵-۴۸۱.
۴. رضائی، ر.، حسینی، س.م. و محمدی پابندی، م. ۱۳۹۴. شناسایی و تحلیل موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان. فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، ۲(۲): ۱۵۶-۱۴۳.
۵. سجاسی قیداری، ح.، شایان، ح.، نوربخش رزمی، ز. ۱۳۹۳. تحلیل نقش کارآفرینی فعالیت‌های غیرکشاورزی در ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان مورد: روستاهای بخش شاندیز شهرستان بینالود. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۲): ۷۶-۵۵.
۶. غفاری، غ.، میرزایی، ح.، کریمی، ع. ۱۳۹۰. بررسی رابطه صنعت و کیفیت زندگی-مقایسه موردی مناطق روستایی شهرستان قروه. مجله توسعه روستایی، ۳(۱): ۲۴-۱.
۷. فاضل‌بیگی، م.م.، یآوری، غ. ۱۳۸۸. تعاون روستایی سرآغازی بر توسعه کارآفرینی. تعاون، ۲۰(۲۰۴ و ۲۰۵): ۶۲-۴۱.
۸. کریمی، س. ۱۳۹۵. بررسی نقش هوش هیجانی در توسعه قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی (مطالعه موردی: دانشگاه‌های بوعلی سینا، رازی، کردستان و لرستان). علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱۲(۱): ۸۴-۷۱.
۹. مقیمی، س.م. ۱۳۸۳. کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی: پژوهشی در سازمانهای غیر دولتی (NGOs) ایران. انتشارات دانشگاه تهران و مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران.
10. Adiyia, B., Vanneste, D., and Van Rompaey, A. 2017. *The poverty alleviation potential of tourism employment as an off-farm activity on the local livelihoods surrounding Kibale National Park, western Uganda*. Tourism and Hospitality Research, 17(1): 34-51.
11. Alsos, G.A., Carter, S., and Ljunggren, E. (Eds.). 2011. *The handbook of research on entrepreneurship in agriculture and rural development*. Edward Elgar Publishing.
12. Ardichvili, A., Cardozo, R., and Ray, S. 2003. *A theory of entrepreneurial opportunity identification and development*. Journal of Business venturing, 18(1): 105-123.
13. Barrett, C.B., Reardon, T., and Webb, P. 2001. *Nonfarm income diversification and household livelihood strategies in rural Africa: concepts, dynamics, and policy implications*. Food policy, 26(4): 315-331.
14. Bassand, M. 1986. *Self-reliant development in Europe: theory, problems, actions*. Gower Publishing Company.
15. Bhandari, H. 2009. *Sustainability of rural development projects*. The eighth in a series of discussion papers produced by the Asia and the Pacific Division, IFAD.
16. Binswanger-Mkhize, H.P. 2012. India 1960-2010: Structural Change, the Rural Non-farm Sector, and the Prospects for Agriculture. In Berkeley, California: Department of Agricultural and Resource Economics, University of California, Berkeley. Available at <http://are.berkeley.edu/documents/seminar/Binswanger>. May.
17. Binswanger-Mkhize, H.P., Johnson, T., Samboko, P.C., and You, L. 2016, September. The impact of urban growth on agricultural and rural non-farm growth in Kenya. In 2016 AAAE Fifth International Conference, Addis Ababa, Ethiopia (No. 249274). African Association of Agricultural Economists (AAAE). September 23-26.
18. Brunori, G., and Rossi, A. 2000. *Synergy and coherence through collective action: some insights from wine routes in Tuscany*. Sociologia ruralis, 40(4): 409-423.
19. Bull, I., and Willard, G.E. 1993. *Towards a theory of entrepreneurship*. Journal of business venturing, 8(3), 183-195.

20. Casini, L., Contini, C., and Romano, C. 2012. *Paths to developing multifunctional agriculture: insights for rural development policies*. International journal of agricultural resources, governance and ecology, 9(3-4): 185-203.
21. Cheah, H.B. 1990. *Schumpeterian and Austrian entrepreneurship: Unity within duality*. Journal of Business Venturing, 5(6): 341-347.
22. Davis, B., Winters, P., Carletto, G., Covarrubias, K., Quiñones, E.J., Zezza, A., and DiGiuseppe, S. 2010. *A cross-country comparison of rural income generating activities*. World Development, 38(1): 48-63.
23. Davis, J.R. 2003. *The Rural Non-Farm Economy, Livelihoods and their Diversification*. Issues and Options. Department for International Development. London.
24. Drucker, P. 2014. *Innovation and entrepreneurship*. Routledge.
25. Du, H. 1990. *Causes of rapid rural industrial development*. In: Byrd, W., Lin, Q. (Eds.), *China's Rural Industry: Structure, Development, and Reform*. Oxford University Press for the World Bank, New York (Chapter 3).
26. Dutz, M. (Ed.). 2007. *Unleashing India's innovation: toward sustainable and inclusive growth*. World Bank Publications.
27. Fatima, S., Iqbal, S., Rehman, F.U., and Ali, M. 2011. *A study of factors affecting opportunity recognition process—Case Study of Pakistan an opportunity recognition process Framework*. Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business, 3(8): 1106-1124.
28. Francis, E., and Hoddinott, J. 1993. *Migration and differentiation in western Kenya: A tale of two sub-locations*. The Journal of Development Studies, 30(1): 115-145.
29. Gans, J.S., Stern, S., and Wu, J. 2016. *Foundations of entrepreneurial strategy*. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2844843>.
30. Gupta, V.K., and York, A.S. 2008. *Attitudes toward entrepreneurship and small business: Findings from a survey of Nebraska residents and small business owners*. Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy, 2(4): 348-366.
31. Haggblade, S., Hazell, P., and Reardon, T. 2010. *The rural non-farm economy: Prospects for growth and poverty reduction*. World Development, 38(10): 1429-1441.
32. Hayton, J., Chandler, G.N., and DeTienne, D.R. 2011. *Entrepreneurial opportunity identification and new firm development processes: a comparison of family and non-family new ventures*. International Journal of Entrepreneurship and Innovation Management, 13(1): 12-31.
33. Hazell, P.B., and Rahman, A. (Eds.). 2014. *New directions for smallholder agriculture*. OUP Oxford.
34. Heilbrunn, S. 2008. *Factors influencing entrepreneurial intensity in communities*. Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy, 2(1): 37-51.
35. Herron, L., and Sapienza, H.J. 1992. *The entrepreneur and the initiation of new venture launch activities*. Entrepreneurship: Theory and Practice, 17(1): 49-55.
36. Hörisch, J., Kollat, J., and Brieger, S.A. 2017. *What influences environmental entrepreneurship? A multilevel analysis of the determinants of entrepreneurs' environmental orientation*. Small Business Economics, 48(1): 47-69.
37. Hussein, K., and Nelson, J. 2016. *Sustainable livelihoods and livelihood diversification*. IDS working paper 69. Brighton, UK.
38. Karimzadeh, H., Nikjoo, M., Sadrmosavi, M.S., and Kohestani, H. 2014. *Identify the factors in creating entrepreneurial opportunities in the tourism sector in rural areas using structural equation model (SME)*. Geography and Environmental Planning, 25(2): 269-290.
39. Lanjouw, J.O., and Lanjouw, P. 2001. *The rural non-farm sector: issues and evidence from developing countries*. Agricultural economics, 26(1): 1-23.
40. Lenox, M., and York, J.G. 2011. *Environmental entrepreneurship*. The Oxford handbook of business and natural environment, 70-92.

41. Liedholm, C. 2007. *Enterprise dynamics in the rural nonfarm economy*. Transforming the rural nonfarm economy: Opportunities and threats in the developing world, ed. S. Haggblade PBR Hazell and T. Reardon, 99-114.
42. Mair, J., and Marti, I. 2006. *Social entrepreneurship research: A source of explanation, prediction, and delight*. Journal of world business, 41(1): 36-44.
43. Malekian, A., Hayati, D., and Aarts, N. 2017. *Conceptualizations of water security in the agricultural sector: Perceptions, practices, and paradigms*. Journal of Hydrology, 544: 224-232.
44. Moseley, M.J. 2004. *Sustainable Rural Development: the Role of Community Involvement and Local Partnerships*. NATO Science Series Sub Series V Science and Technology Policy, 41: 125-135.
45. Nemes, G. 2005. *Integrated rural development-The concept and its operation* (No. MT-DP-2005/6). IEHAS Discussion Papers.
46. Oriarewo, G.O., Chukwujioke, K., Aondoseer, A., and Aondoseer, A. 2013. *Entrepreneurial Perceptions and Knowledge among Graduates of Nigerian Universities*. International Journal of Scientific and Research Publications, 3(6): 1-8.
47. Ozgen, E., and Minsky, B.D. 2007. *Opportunity recognition in rural entrepreneurship in developing countries*. International Journal of Entrepreneurship, 11: 49.
48. Poulton, C., Kydd, J., and Dorward, A. 2006. *Overcoming market constraints on pro-poor agricultural growth in Sub-Saharan Africa*. Development policy review, 24(3): 243-277.
49. Reardon, T. 1997. *Using evidence of household income diversification to inform study of the rural nonfarm labor market in Africa*. World development, 25(5): 735-747.
50. Sarwoko, E., Surachman, A., and Hadiwidjojo, D. 2013. *Entrepreneurial characteristics and competency as determinants of business performance in SMEs*. IOSR Journal of Business and Management, 7(3): 31-38.
51. Wall Street Journal. 2014. 'China Inc. Moves Factory Floor to Africa. Rise Wages at Home Spur Makers of Shoes, TVs, Cars to Expand on the Continent'. Wonacott, P., 14 May, 2014. (<http://online.wsj.com/news/articles/SB10001424052702304788404579519631654112594>)
52. West, M.A., and Altink, W.M. 1996. *Innovation at work: Individual, group, organizational, and socio-historical perspectives*. European Journal of Work and Organizational Psychology, 5(1): 3-11.
53. Wiggins, S. 2016. *Agricultural and rural development reconsidered a guide to issues and debates*. IFAD Research Series 1.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 4(3), 2017

<http://jead.gau.ac.ir>

DOI: 10.22069/JEAD.2018.14001.1286

Directing Rural Development through Non-Farm Economy Entrepreneurial Strategy

***E. Masoomi¹ and D. Hayati²**

¹Ph.D. Student, Dept., of Agricultural Extension and Education, Shiraz University,

²Professor, Dept., of Agricultural Extension and Education, Shiraz University

Received: 30/9/2017 ; Accepted: 12/12/2017

Abstract

Entrepreneurship is one of the most important determinants of rural development. Elaboration of this concept in rural areas needs an entrepreneurial strategy. Nowadays, the rural development approaches have reduced their focus on development of agriculture sector and have distinguished between rural and agricultural development. Following such an approach, the common tendency of the new rural development approaches has led to a concept named rural non-farm economy. This concept is along with objects and elements of entrepreneurship. Therefore, the aim of this review study was to investigate the application of non-farm economy as the entrepreneurial strategy for rural development. In this regard, firstly entrepreneurship debates were investigated, and later the concept of rural non-farm economy were analyzed by those debates. Finally, the concept of rural non-farm economy were matched with entrepreneurship debates. The results showed that the concepts of entrepreneurship and non farm economy have common dimensions, elements and objects. The results of this study confirm the potential of rural non-farm economy for application as the entrepreneurial strategy. Moreover, requirements and challenges for application of rural non-farm economy have been discussed.

Keywords: Non-farm economy, Rural development, Entrepreneurial strategy, Rural entrepreneurship

*Corresponding author: ehsan.masoomi@shirazu.ac.ir

